

شرق روزنامه

گزارش

آمریکایی‌ها پسر را ترجیح می‌دهند

با وجودی که به نظر می‌رسد با گذر از دوران کشاورزی و مدرن‌ترشدن جوامع ترجیح جنسیتی از میان رفته یا دست‌کم کمتر شده است، در بسیاری جوامع ارجح‌بودن فرزند پسر همچنان به قوت خود باقی است. این واقعیت نه‌تنها در جامعه‌ای مانند چین که در آن سال‌ها محدودیت داشتن تنها یک فرزند جاری بوده، بلکه در جامعه‌ای مانند ایالات متحده آمریکا نیز به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد نگرش آمریکایی‌ها به جنسیت در حدود ۷۰ سال گذشته تغییر نکرده است. نتایج یک بررسی که در سال ۱۹۴۱ در ایالات متحده آمریکا انجام شده، نشان می‌داد زوج‌های آمریکایی بیشتر تمایل دارند فرزند پسر داشته باشند تا دختر. نتایج تحقیقی که پنج سال پیش در مؤسسه گالوپ انجام شد نیز نشان می‌دهد اگر محدودیت تنها یک فرزند برای آمریکایی‌ها وجود داشته باشد، آنها ترجیح می‌دهند پسر داشته باشند.

براساس نتایج بررسی اخیر، ۴۰ درصد زوج‌های آمریکایی گفته‌اند فرزند پسر را به فرزند دختر ترجیح می‌دهند. ترجیح ۲۷ درصد این افراد نیز داشتن فرزند دختر بوده است. درهمین حال ۳۳ درصد جمعیتی که درباره‌شان مطالعه شده گفته‌اند جنسیت فرزند برایشان فرقی نمی‌کند. ساختار این مطالعه روی شرط محدودیت یک فرزند شکل گرفته بود. نگاهی به نتایج تحقیقی که در دهه ۵۰ در آمریکا انجام شده بود، از خروجی‌هایی کمابیش مشابه حکایت دارد. براساس نتایج تحقیق گالوپ در سال ۱۹۴۱ در آمریکا، ۳۸ درصد جمعیتی که درباره‌شان مطالعه شده بود، گفته بودند درصورتی‌که محدود به داشتن تنها یک فرزند باشند، ترجیح می‌دهند این فرزند پسر باشد. از سوی دیگر ۲۴ درصد از افراد این جامعه نیز گفته بودند که در صورت وجود چنین محدودیتی، داشتن فرزند دختر برایشان ارجح است.

اما ترجیح فرزند پسر نسبت به دختر مختص بررسی اخیر و نیز بررسی سال ۱۹۴۱ نیست. در سال‌های میان این دو تحقیق، این موضوع ۱۰ بار به پرسش‌های مختلف از جامعه آماری مطالعه شد. همه نتایج به‌دست‌آمده نشان از ترجیح پسر به دختر در جامعه آمریکایی داشت.

نگاهی به داده‌های به‌دست‌آمده در نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد ترجیح پسر نسبت به دختر و دختر نسبت به پسر به شکلی با سن و سال جامعه آماری مطالعه‌شده ارتباطی معنادار دارد. براین‌اساس، در میان آمریکایی‌هایی که کمتر از ۳۰ سال دارند، میزان ترجیح داشتن پسر، ۵۴ درصد و میزان ترجیح فرزند دختر، ۲۷ درصد گزارش شده است. ۱۹ درصد این افراد نیز گفته‌اند اساسا برایشان تفاوتی ندارند فرزند دختر داشته باشند یا پسر.

در سنین بین ۳۰ تا ۴۹، میزان فاصله میان ترجیح پسر به دختر به ۱۲ واحد کاهش می‌یابد. این فاصله در سنین کمتر از ۲۷،۳۰ واحد بوده است. در جامعه آماری افراد بین ۵۰ تا ۶۴ سال، فاصله ترجیح دختر و پسر باز هم کمتر شده و به پنج واحد می‌رسد. در نهایت در سنین بالای ۶۵، فاصله ترجیح دختر به پسر و پسر به دختر به دو درصد می‌رسد. این نتایج نشان می‌دهد هم‌زمان با بالا‌ترفتن سن، ترجیح جنسیت دختر و پسر به هم نزدیک می‌شود؛ در نهایت در تمام جامعه‌های آماری، پسر، هرچند قابل چشم‌پوشی، اما کماکان ترجیح دارد.

بیشترین ترجیح فرزند پسر براساس سن، به جامعه آماری مردان زیر ۵۰ سال برمی‌گردد. مردان ۵۰ساله و بالاتر نیز ترجیح می‌دهند فرزند پسر داشته باشند. زنان ۵۰ سال به بالا اما گفته‌اند فرزند دختر را ترجیح می‌دهند.

نتایج این بررسی نشان می‌دهد مردان آمریکایی که تحصیلات کمتری دارند، بیش از دیگران به داشتن فرزند پسر تمایل دارند. اما اگر بخواهیم تمایل به داشتن پسر و دختر را میان گرایش‌های سیاسی جامعه آمریکا با هم مقایسه کنیم، به نظر می‌رسد جمهوری‌خواهان بیش از دموکرات‌ها داشتن فرزند پسر را ترجیح می‌دهند. این البته در حالی است که مردان آمریکایی بیشتر جمهوری‌خواه هستند و زنان این کشور بیشتر دموکرات. درهرحال هر دو گروه زنان و مردان جمهوری‌خواه ادعان کرده‌اند که ترجیح می‌دهند فرزند پسر داشته باشند.

منبع: گالوپ



دریچه

تضمین صددرصدی جنسیت فرزند

براساس قانون احتمالات، احتمال دختر یا پسرشدن جنین تقریباً یکسان و ۵۰- ۵۰ است، باین‌حال براساس فیزیولوژی، نسبت دختر‌ها به پسر‌ها یا نسبت پسر‌ها به دختر‌ها زیاد می‌شود. در گذشته نسبت پسر‌ها به دختر‌ها در ایران ۱۰۴ به ۱۰۲ بود اما آمار جدید نشان می‌دهد در ازای هر ۱۰۳ پسر، ۱۰۵ دختر به دنیا می‌آید. در حقیقت این اختلاف ناچیز است و تقریباً همان ۵۰ - ۵۰ محسوب می‌شود. اما حالا که علم پیشرفت کرده، دیگر احتمالات به درد کسی نمی‌خورد و روش‌های سنتی تعیین جنسیتی فرزند با رژیم غذایی و… نیز فراموش شده است. این روز‌ها، پزشکان به‌راحتی می‌توانند در آزمایشگاه اسپرم را به تخمک اضافه‌کنند و جنین دختر یا پسر را به بدن مادر منتقل کنند. به گزارش وب‌سایت دانشگاه علوم پزشکی مازندران، IVF یک روش بارداری است که برای افراد نابارور (بر اساس نوع ناباروری) طراحی شده است. اما امروزه بعضی از افراد از این روش برای انتخاب جنسیت جنین پیش از بارداری استفاده می‌کنند. نزدیک به شروع دوره ماهانه مادر، داروهای باروری برای او تجویز می‌شود تا تخمدان جهت آزادکردن چندین تخمک رسیده، تحریک شود (به‌طور معمول یک تخمک در هر ماه آزاد می‌شود) گاهی ممکن است برای جلوگیری از آزادشدن زودرس تخمک‌ها، مجبور به استفاده از هورمون‌های مصنوعی شوند. مادر باید برای اندازه‌گیری سطح خونی هورمون‌ها به‌طور مرتب به پزشک خود مراجعه‌کند تا بررسی شود که چه زمانی تخمک‌هایش رسیده شده‌اند. به محض رسیده وکامل‌شدن تخمک‌ها، پزشک تخمک‌ها را خارج می‌کند. دو تا پنج روز بعد، هرکدام از تخم‌های بارور‌شده به شکل توبی از سلول‌ها درمی‌آیند که «امبریو» یا جنین نام دارد. جنین هشت‌سلولی حاصل از لقاح آزمایشگاهی حاصل شده و سپس، پیش از انتقال آن به رحم، یکی از سلول‌ها را جدا کرده و توسط یک متخصص ژنتیک که در این زمینه مهارت دارد، بررسی و تشخیص جنسیت می‌شود و سپس جنین‌ها در رحم، مادر می‌تواند با انجام تست خون حاملگی از موفقیت لانه‌گزینی اطمینان پیدا کند. مطالعات ۱۰ساله نشان داده که جادرکان یک سلول لطمه‌ای به جنین نمی‌زند چون کل سلول‌های جنینی، یک شکل و تمایزنافته هستند؛ باین‌حال دقت و حساسیت این کار بسیار بالاست و جای هیچ خطایی وجود ندارد چون متخصص تنها مجاز به جادرکان یک سلول است و حتی اگر سلول جداشده دچار مشکل شود به‌هیچ‌عنوان نمی‌تواند سلول دیگری را از جنین جدا‌کند. البته ممکن است هنگام جادرکان همان یک سلول نیز کل جنین خراب شود و همین طرافت و حساسیت است که دستپایی به جنین تکنیکی بااهمیت‌کرده و راه را برای کارهای پیشرفته‌تر به‌ویژه در زمینه تشخیص ژنتیکی بیماری‌های مختلف پیش از انتقال جنین - همچنان که در بسیاری از کشور‌ها مرسوم است - هموار می‌کند. در این روش، درصد اعتبار جنسیت جنین صددرصد است اما معایبی دارد که هر کسی مایل به انجام این روش نیست؛ معایبی مثل یک یا دو بار بی‌هوشی و عمل جراحی، ۷۰ درصد بیشترین احتمال بارداری در یک فرد سالم، تکرار کل مراحل در صورت رخ‌ندادن بارداری، هزینه بالا بیش از ۱۰ میلیون‌تومان و خطر دو یا چندفلوژایی.



عکس: امیرحسین شرف

نسبت متعادل‌تری از میان فرزند دختر و پسر نشان دهد، هرچند در کشور‌های توسعه‌یافته‌تر نیز که سیاست‌های برابرگرایانه‌تر برقرار شده است، همچنان، ترجیح برای داشتن فرزند پسر اما با نسبت‌های کمتری دیده می‌شود.

ﻻ به نظر می‌رسد درحال‌حاضر تعداد مردانی که دوست دارند فرزند دختر داشته باشند، قابل‌توجه است، چرا مردهای امروزی فرزند دختر ترجیح می‌دهند؟

شاید بتوان این تغییر رویکرد را به همان تغییر در مفهوم ارزش فرزندان تعبیر کرد. والدین و از جمله پدران دیگر همان انتظاراتی را از فرزندان‌شان ندارند که پیش از این، نسل‌های قبلی از فرزندان‌شان داشتند، یعنی مثلاً قرار نیست فرزندان دیگر عصای پیری یا نیروی کار رایگان برای والدین‌شان باشند، بنابراین، صاحب فرزند پسر شدن همان کارکردی را ندارد که قبلاً در همین جامعه داشته است، در این صورت، می‌توان تصور کرد که والدین فرزندان را به‌خاطر همان چیزی که هستند بخواهند و دغدغه پسرزایدن کم‌کم کاهش پیدا کند. تفاوت‌های جنسیتی هم به‌تدریج در جوامع توسعه‌یافته کمرنگ‌تر شده و دختران به‌تدریج از همان مزایا و فرصت‌های زندگی برخوردار می‌شوند که پیش از این پسر‌ها از آن برخوردار بودند، نظیر دستیابی به تحصیلات عالیه و امکان اتخاذ نقش شغلی و کسب درآمد و نقش‌پذیری‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظایر آن. تغییر رویکرد مردها به داشتن فرزند دختر، آسودگی خیال بیشتری هم برای زن‌ها به وجود آورده است؛ از این لحاظ که فکر می‌کنند اگر دختر به دنیا بیاورند آتچنان مشکل یا مسئله‌ای تهدیدشان نخواهد کرد؛ مثل تهدید به طلاق یا تحقیر و نظایر آن که در نسل‌های گذشته مشاهده می‌شد. واقعیت این است که امروزه فضای فرهنگی به مردها هم کمتر فشار وارد می‌آورد که با داشتن فرزندان پسر متعدد مردانگی‌شان را اثبات‌کنند. امروزه فرزند بیش از آنکه برای خانواده‌ها درآمد به حساب بیاید، هزینه به بار می‌آورد.

ﻻ یکی دیگر از مواردی که باید برسد این است که تجربه زیسته بسیاری از ما دختران نشان می‌دهد که پدرانی که پیش از داشتن فرزند دختر هیچ‌گاه مدافع حقوق زنان نبوده‌اند، به‌ناگاه در این مورد حساس می‌شوند. چرا پدران وقتی دختردار می‌شوند مدافع حقوق زنان می‌شوند؟ البته منظور از زنان در بیشتر موارد همسرانشان نیست بلکه دقیقاً در مورد حقوق دخترانشان حساس‌اند؟

این از بابت احساس تعلق‌خاطر به فرزند است و به این دلیل است که پدر با فرزند دختر همدلی می‌کند و خود را جای دخترش می‌گذارد. برای اینکه در حیطه منافع شخصی او قرار می‌گیرد و مسئولیت نسبت به فرزند به وجود می‌آید. همان‌جور که برای پسرتر وضع خوبی می‌خواهی، تمام تلاشت را می‌کنی که برای دخترت نیز این کار را بکنی. به نظر برحسب شرایط و وضعیت روز است. دختر داری و دختر جزء، تعلقات است و دلت می‌خواهد این تعلقات در وضعیت خوبی باشند. درهرحال ایده‌آل‌های جدید و الگوهای جدید هم به وجود آمده و ارزش‌های مثبت جامعه امروزی هم تریزیم می‌شود و می‌خواهی نشان بدهی که در موقعیت جدید قرار گرفته‌ای و نسبت به موقعیت جدید واکنش نشان می‌دهی و این حساب‌شده‌تر است.

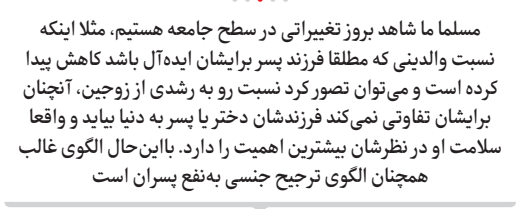
ﻻ جقدر طول می‌کشد که نگرش تمایل به فرزند پسر از میان برود؟

پدران بسیاری در نقاط دورافتاده هستند که امروز دخترانشان تحصیل‌کرده می‌شوند. این یعنی تغییر رویکرد نسبت به جایگاه زن. درست است که بعد بازار کار مانع از حضور زنان می‌شود اما همین که پدران از دوردست‌ترین نقاط ایران دخترانشان را به دورترین نقاط بفرستند یعنی جایگاه زن تفاوت کرده و این است که دخترآوری ننگ نیست یا به سمت متعادل‌ترشدن نسبت به نگاه به دختر و پسر الان زن و مرد در این زمینه نقش دارند. اما واقعیت این است که خود زن‌ها هم در تغییر این رویکرد نقش دارند. من در اوایل دهه ۸۰ در دانشجویان دخترم در دانشگاه علامه می‌پریدم که چند بچه می‌خواهند داشته باشند. بسیاری از آنها می‌گفتند هرچور شوهرانشان بخواهند، این یعنی این دختران برای خودشان نقش برابر و حق برابر قائل نیستند.

و به‌مثابه یک امتیاز تلقی می‌شود. پیش از این و در جامعه سنتی، زنی که می‌توانست مادر چندین پسر باشد تاج سر بود و افتخار می‌آفرید، پس طبیعی بود که نه‌تنها تمایل پدران به سمت داشتن فرزند پسر باشد که مادران نیز چنین چیزی بخواهند.

ﻻ طبیعی است که در گذشته بسیاری از زنان از طریق فرزندان پسر می‌توانستند قدرت بگیرند و تأثیر بگذارند اما در دوران معاصر که داشتن فرزند پسر لزوماً زنان را قدرتمندتر نمی‌کند چرا به گفته شما هنوز زنان دوست دارند پسر داشته باشند؟ چرا در دوران معاصر باید چنین رویکردی کماکان در زنان وجود داشته باشد؟

در گذشته آوردن فرزند پسر، قدرت به حساب می‌آمد و زنان از طریق آن نشان می‌دادند مادر توانای «پسرزایی» هستند. این نگاه را بگذارید برابر مادری که انگ «دخترزایی» می‌خورد؛ غافل از واقعیت‌های زیست‌شناختی‌ای که پدر را تعیین‌کننده واقعی جنس فرزند می‌شناسد. به‌هرحال، این واقعیتی بوده است که خطر هوو و طلاق بیشتر تهدیدی بود در مقابل زنانی که نمی‌توانستند پسر بیاورند. درواقع تنها نازایی نبود که می‌توانست باعث طلاق و ازدواج مجدد مردان شود بلکه دخترزایبودن هم زن می‌توانست دلیل یا بهانه‌ای برای این امر بشود. اصولاً آوردن فرزند پسر به تعداد زیاد برای زنان افتخار محسوب و موجب می‌شد که موقعیت زن در خانواده در مقایسه با زنان دیگر بالاتر باشد. به‌هرحال باید دقت کنیم که هم بعد اقتصادی و هم فشار‌های اجتماعی دراین‌باره دخیل بوده است. فرزند پسر بوده که اساسا عصای پیری به حساب می‌آمده است. این روز‌ها به نظر می‌رسد تغییر نوع معیشت، کارایی یا ارزش فرزند را به‌ویژه با توجه به هزینه‌های بالای تأمین امکانات تحصیلی و طولانی‌شدن دوران



تحصیلات رسمی و تکمیلی، در منظر خانواده‌ها تا حدی تغییر داده است و البته از باب فرهنگی نیز تبعات این تغییر و تحول را در نگرش افراد شاهد هستیم هرچند نسبت تغییرات آتچنان چشمگیر نباشد. برخی از تحقیقات که به بررسی این نگرش بوده است، طبیعی است وقتی فردی داده‌اند که هنگامی که از زنان پرسیده شده اگر دوباره به دنیا بیایند ترجیح می‌دادند دختر باشند یا پسر، نسبت قابل‌توجهی ترجیح داده بودند این‌بار پسر به دنیا بیایند. درحالی‌که درخصوص پسران، نسبت قلیلی تمایل به این داشتند که در قالب جنس مخالف‌شان یعنی دختر به دنیا بیایند. این یافته‌ها به‌عبارتی معرف میزان رضایتمندی فرد از جنسیت خود است که در مورد زنان این رضایتمندی نسبت کمتری دارد و می‌توان منشأ آن را تجربیات زیسته زنان در جامعه‌ای تلقی کرد که فرصت‌های رشد و دستیابی به اهداف اجتماعی را برای مردان فراهم‌تر می‌بینند و محدودیت‌ها و تبعیض جنسیتی را برای خودشان بیشتر ارزبایی می‌کنند. همین نگرش می‌تواند منتهی به این شود که حتی باوجود تغییر و تحولات اجتماعی- فرهنگی در جامعه، مادران همچنان ترجیح می‌دهند صاحب فرزند پسر شوند تا دختر، چراکه مایل‌اند فرزندشان از کیفیت زندگی و امکانات بهتری برخوردار شود. یعنی به نظر می‌رسد نگاه به فرزند و ارزش فرزند، امروزه بیش از آنکه مصلحت‌اندیشانه و در جهت حفظ منافع آتی والدین باشد، عاقبت‌اندیشانه برای خود فرزندان است.

ﻻ یعنی درن‌های ایرانی که مهاجرت می‌کنند پا زن‌های ایرانی‌ای که در خارج از ایران به دنیا می‌آیند کمتر ترجیح به داشتن فرزند پسر دیده می‌شود؟ به‌هرحال در خارج از کشور، از آنجا که فشار‌ها و کلیشه‌های فرهنگی تضعیف شده است، احتمال بیشتری می‌رود که انتخاب جنسیت فرزند

گفت‌وگو با شیرین احمدنیا

درباره چرایی اهمیت جنسیت فرزندان در جامعه امروز ایران

پسر همچنان ارجح است

نگار حسینی

پیش از این، عمده اقدامی که برای تعیین جنسیت فرزند انجام می‌شد، محدود بود به آنچه در طب سنتی آمده بود مبنی پسر تأثیر برخی غذاها بر دختر یا پسر‌بودن جنین. اخیراً اما دراین‌باره پیشرفت قابل‌ملاحظه‌ای حاصل شده است چنان‌که زوجی که قصد بچه‌دارشدن دارند، از مدت‌ها قبل در کلینیک‌هایی زیر نظر پزشکان هستند و در فرایندی زمان بر، سخت و گران‌قیمت در نهایت بر جنسیت فرزند خود تأثیر می‌گذارند. فارغ از کارکرد جنین کلینیک‌هایی، این سؤال مطرح می‌شود که آیا در جامعه جدید ایرانی هنوز جنسیت آن‌قدر مهم است که بابت انتخاب آن این‌همه فشار و هزینه متحمل شد؟ با شیرین احمدنیا، جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه‌طباطبایی، دراین‌باره گفت‌وگو کرده‌ایم؛ احمدنیا معتقد است باوجود تغییر و تحولات اجتماعی- فرهنگی در جامعه، مادران همچنان ترجیح می‌دهند صاحب فرزند پسر شوند تا دختر، چراکه مایل‌اند فرزندشان از کیفیت زندگی و امکانات بهتری برخوردار شود. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد نگاه به فرزند و ارزش فرزند، امروزه بیش از آنکه مصلحت‌اندیشانه و در راستای حفظ منافع آتی والدین باشد، عاقبت‌اندیشانه برای خود فرزندان است.

ﻻ آیا بعد از گذار از عصر کشاورزی که پسر، آورده ویژه‌ای برای خانواده داشت و به‌عنوان نیروی کار می‌توانست نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده اقتصادی خانواده داشته باشد، هنوز جنسیت در جامعه ایرانی مسئله است؟ به‌خصوص اینکه در دوران جدید، زنان تحصیل‌کرده‌تر و مستقل‌تر شده‌اند و حتی در موارد بسیاری می‌توانند از خانواده‌هایشان حمایت کنند. از این جهت این سؤال مهم است که درحال‌حاضر کلینیک‌هایی دایر شده‌اند که والدین پیش از بچه‌دارشدن می‌توانند جنسیت فرزندشان را تعیین کنند. این البته مستلزم هزینه و تلاش بسیار است. دقیقاً چه چیزی موجب می‌شود در جامعه امروز بخشی از جامعه این‌همه فشار و هزینه را صرفاً برای اینکه جنسیت فرزند را تعیین کنند، به خود هموار کنند؟ آیا هیچ تغییری در دوران جدید اتفاق نیفتاده که به جنسیت اهمیت زیادی داده نشود؟

مسئلاً ما شاهد بروز تغییراتی در سطح جامعه هستیم، مثلاً اینکه نسبت والدینی که مطلقاً فرزند پسر برایشان ایده‌آل باشد کاهش پیدا کرده است و می‌توان تصور کرد نسبت رو به رشدی از زوجین، آتچنان برایشان تفاوتی نمی‌کند فرزندشان دختر یا پسر به دنیا بیاید و واقعاً سلامت او در نظرشان بیشترین اهمیت را دارد. باین‌حال الگوی غالب همچنان الگوی ترجیح جنسی به‌نفع پسران است. این منحصر به ایران نیست و در کشور‌هایی که بنا بر سیاست‌های جمعیتی، دولت نقش تأثیرگذاری در کنترل جمعیت دارد مانند چین نیز آشکار است. در چین که سیاست تک‌فرزندی دنبال می‌شود، هنگامی که والدین قرار است صرفاً یک فرزند داشته باشند اکثریت همچنان فرزند پسر را اولویت می‌بخشند و در صورتی که سنونوگرافی دهنده جنین مؤنث است، اقدام به سقط آن می‌کنند تا در بارداری بعدی احتمالاً صاحب فرزند پسر شوند. در نتیجه با توسل به سقط‌جنین‌های عمدی کاری می‌کنند که تعادل طبیعی نسبت جنسی تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و اکنون در جمعیت چین، حدود ۵۰ میلیون کاستی درخصوص جمعیت زنان دیده می‌شود، یعنی نسبتی از زنان که در نتیجه این ترجیح جنسیتی بیش از تولد سقط شده‌اند.

ﻻ اگر بخواهیم مقایسه‌ای میان این دیدگاه در کلان‌شهرها، شهرستان‌ها و روستاها داشته باشیم، آیا این نسبت‌ها مشابه‌اند؟ یعنی نگاه به جنسیت در این مناطق مشابه است یا هنوز حسب شرایط متفاوت هستند؟

توضیح این موضوع به تحلیل مفهومی در ادبیات جمعیت‌شناسی تحت عنوان «ارزش فرزند» برمی‌گردد؛ به این معنا که فرزندی که چشم به جهان می‌گشاید قرار است چه کارایی‌ای برای والدین داشته باشد و انگیزه والدین برای فرزندآوری چه بوده است. فرزند چه مفهوم و معنایی برای والدین و چه ارزشی دارد و چرا کسی باید فرزند بخواهد و تعداد زیاد هم بخواهد. هریک از این موارد معنای خاصی دارد که هم می‌تواند مادی و هم معنوی باشد. وقتی به فرزند عنوان «عصای پیری» اطلاق می‌شود، درعین‌حال روی حمایت اجتماعی ناشی از حضور فرزند هم حساب می‌شود، این الزاما جنبه مادی ندارد و جنبه معنوی آن برای مثال به این بازمی‌گردد که والدین می‌اندیشند «در دوره پیری تنها نمایم و نوه داشته باشیم و دورمان شلوغ باشد». درهرحال فرزندآوری یک سری فواید در نظر والدین به‌همراه دارد.

در فرهنگ ما، پسر به‌عنوان عصای پیری شناخته می‌شده و در دوران غلبه معیشت کشاورزی، برای پدری که صاحب مزرعه بوده است نیروی کار رایگان به حساب می‌آمده است، بنابراین، کارایی فرزند پسر از جنبه معیشت خیلی واضح و اثرگذار بوده است. طبیعی است وقتی فردی مزرعه دارد ترجیح می‌دهد پسر داشته باشد (و هرچه بیشتر بهتر) تا از او به‌عنوان بازویی در فعالیت اقتصادی استفاده کند. در دوره‌های متوالی، جامعه ایران از شرایط روستانشینی به شهرنشینی و از اقتصاد کشاورزی به صنعت و خدمات رسیده است. در شرایط زندگی شهرنشینی، ارزش فرزند نزد والدین تا حدودی دچار تغییر شده است، فرزندآوری، هزینه‌های بیشتری به بار می‌آورد و از منافع اقتصادی قبلی را نیز در پی ندارد. اما همچنان از بُعد فرهنگی، شاهد تفاوت‌های جنسیتی هستیم که ترجیح جنسی فرزند پسر را توجیه‌پذیر می‌کند. مردان در شرایط فرهنگی ایران همچنان نقش تعیین‌کننده‌تری در سرنوشت خود و خانواده خود ایفا می‌کنند. اساساً مردان همچنان تصمیم‌گیرنده‌های اصلی به حساب می‌آیند هرچند زنان نیز به‌تدریج با افزایش سطح تحصیلات و ورود تدریجی‌شان به عرصه فعالیت اجتماعی و اقتصادی، سهم روبه‌رشدی را در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی دارند.

پیش از این و همچنان امروز تا حد زیادی، پدران‌اند که تصمیم می‌گیرند چند بچه در خانواده به دنیا بیاید و بچه‌ها چه جنسیتی داشته باشند. این دیدگاه پدران هم از منظر نقش ریاست یا سرپرستی خانوار بود. زنان نیز معمولاً منظر و نظر مردان را در اولویت قرار می‌دادند و تلاش‌شان این بود که به‌این‌ترتیب جایگاه و ارزشی را برای خود فراهم کنند و جلب رضایت شوهران را بکنند. فرزند پسر هنوز برای آنها ارج و قرب به بار می‌آورد